

برجسته‌ترین شیوه‌های تبلیغی رسول اکرم (ص)

■ مصطفی عیاسی مقدم

دانشجوی دکتری رشته الهیات دانشگاه تربیت مدرس □ □

■ سید محمد یاقر حجتی

استاد رشته الهیات دانشگاه تهران □ □

تاریخ دریافت: ۷۶/۳/۷، تاریخ پذیرش: ۷۶/۳/۱

چکیده

بررسی، استخراج و تحلیل شیوه‌ها و راهکارهای تبلیغی اسوه‌های قرآن بویژه پیامبر گرامی اسلام (ص) به حقیقت می‌تواند دایرةالمعارف بزرگی پیرامون دعوت و تبلیغ فراهم آورد. هر چند تاکنون در این باره تلاش در خور و پژوهش بایسته صورت نگرفته است. در مقاله حاضر، با استفاده از قرآن، تفاسیر، روایات معتبر و سیره، بر آن شدیم تا ضمن بررسی مهمترین و پرکاربردترین شیوه‌های تبلیغی پیامبر خاتم (ص) در سه محور شیوه‌های گفتاری، عملی و مرکب (گفتاری - عملی)، بر اهمیت شیوه‌های غیرمستقیم در تبلیغ پافشاری کنیم.

دعوت به مشترکات و تردیدافکنی در مخالفان، نمونه‌های شیوه‌های گفتاری، سازش ناپذیری در اصول، برائت از شرک و مبارزه با عوامفریبی، از نمونه‌های بارز شیوه‌های مرکب، و مرحله بندی تبلیغ، مدارا و آسانگیری، هجرت، اعزام مبلغ به شهرها و قبایل، برپا کردن پایگاههای تبلیغی و ساده زیستی، مصادیق برجسته شیوه‌های عملی مطرح شده در این نوشتار هستند.

کلید واژگان: اسوه؛ دایرةالمعارف؛ شیوه‌های تبلیغی؛ گفتاری؛ عملی

۱ - مقدمه

با عنایت به ابعاد وسیع و متنوع شخصیت و سیره تابناک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم،



تاکنون بررسی کافی پیرامون شیوه‌های تبلیغی او صورت نگرفته است. پیامبری که خاتم نبوت و رسالت است، لاجرم دارای مجموعه‌ای از نافذترین روشها و اسلوبهای ارشادی است؛ شیوه‌هایی که هر مبلغ و داعی الی الله بتواند در امر هدایت و راهنمایی بشر از آنها بهره گیرد و به نتیجه مطلوب دست یابد. آنچه از مطالعه کتاب سیره و منابع تفسیر و کتب تبلیغی در این باب بر می‌آید، به طور عمده، نقل بدون تحلیل وقایع زندگی چهره‌های قرآنی است و کمتر از تحلیل رفتارها و برخوردها و ارزیابی تبلیغی حوادث و به تبع آن سبک شناسی رفتار و گفتار و استخراج شیوه‌های تبلیغی ثابت هر یک از ایشان اثری دیده می‌شود، چنانکه به اعتقاد استاد مطهری:

«این کتابهایی که ما به نام سیره داریم سیر است نه سیره ... رفتار پیغمبر نوشته شده است نه سبک پیغمبر در رفتار، نه اسلوب رفتار پیغمبر»^۱

به همین دلیل، بسیاری از زوایای فعالیت ارشادی و تبلیغی پیامبران و اولیاء الهی تاکنون ناشناخته مانده و استفاده‌ای از آن به عمل نیامده است. استخراج شیوه‌های برخورد و ارتباط و روشهای مواجهه پیامبر (ص) با مخاطبان گوناگون و نیز استنباط سبک و سیره تبلیغی دیگر چهره‌های شاخص قرآن، می‌تواند بهترین و مفیدترین راهکارهای تربیت، ارشاد و هدایتگری را به راهنمایان دلسوز جامعه ارائه دهد و معلمان و مربیان جوامع، بویژه جامعه اسلامی را از سرگردانی در اتخاذ شیوه‌های صحیح تربیتی و ارشادی برهاند.

این همه، ما را بر آن داشت تا با بررسی زندگانی و سیره درخشان انبیا و اولیای یاد شده در قرآن، رفتارها و فعالیت‌های تبلیغی آنان را گرد آورده و به استخراج و تحلیل شیوه‌های تبلیغی ایشان بپردازیم. این مقاله حاوی برجسته‌ترین شیوه‌های تبلیغی رسول اکرم (ص) به عنوان اولین مرحله این پژوهش است.

۲- پیامبر اکرم (ص)، اسوه اسوه‌ها

در میان اسوه‌های قرآن، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم کاملترین مبلغ و جامعترین شخصیت رسالی و الهی است. اگر هر یک از چهره‌های قرآن در زمینه‌ای یا زمینه‌هایی چند الگو و نمونه باشند (مانند ابراهیم اسوه توحید، نوح اسوه استقامت در تبلیغ، یوسف اسوه عفت و امانت، سلیمان اسوه سپاسگزاری و فرمانروایی، طالوت اسوه فرماندهی و ذوالقرنین اسوه زمامداری و ...) نبی اکرم جامع همه فضایل تبلیغی و اسوه مطلق تمام بشریت است و از این حیث، دعوت وی نیز خاتم دعوات الهی است و هر آنچه از قالب و محتوی در مسیر ارشاد به کار مبلغان و مربیان می‌آید، در سیره تبلیغی آن حضرت دست یافتنی است.

بدین لحاظ، قرآن برای تاسی به هر یک از پیامبران و اسوه‌های مورد عنایت خود، قیود و شرطهایی

را تعیین فرموده و حتی در برخی زمینه‌ها از پیروی اسوه‌ای خاص نهی فرموده است^۲، اما در معرفی شخصیت والای حضرت محمدبن عبدالله (ص) سخن قرآن هیچ قیدی ندارد و مطلق بودن این اسوه را برای اقتدای همه انسانها در همه زمانها و همه مکانها می‌رساند:

لقد كان لكم في رسول الله اسوة حسنة لمن كان يرجو الله واليوم الآخر و ذكر الله كثيراً (احزاب، ۲۱)
براستی برای شما در رسول خدا سرمشقی نیکوست، برای کسی که به خدا و روز قیامت امید داشته و بسیار خدا را یاد کند.

گو اینکه برای مخاطبان این سخن، قیدهایی همچون امید به خدا و روز قیامت و ذکر خداوند مطرح شده است، همانسان که برای هدایتگری قرآن شروطی برای انسانها ذکر شده و ظالمان از بهره‌مندی آن محروم قلمداد شده‌اند؛ و لایزید الظالمین الاخساراً (اسرا - ۸۳) و ستمکاران را جز زیانکاری نمی‌افزاید.

این موضوع را امیر مؤمنان به زیبایی در جمله‌ای آورده است: ولقد كان في رسول الله كساف لك في الاسوة^۳ از لحاظ اسوه و الگوی عمل، رسول خدا برای تو کافی است.

این در حالی است که مقام الگویی بزرگترین چهره‌های صاحب رسالت همچون ابراهیم نیز به زمینه‌هایی خاص محدود شده است، برای نمونه، اسوه بودن ابراهیم و پیروانش را با کلمه «اذ» و جمله پس از آن مقید ساخته است: قد كانت لكم اسوة حسنة في ابراهيم والذين معه اذ قالوا لقومهم انا برآء منكم و مما تعبدون من دون الله كفرنا بكم و بدابیننا و بینکم العداوة و البغضاء حتی تؤمنوا بالله وحده (ممتحنه، ۲) قطعاً برای شما در پیروی از ابراهیم و پیروانش سرمشقی نیکوست؛ آنگاه که به قوم خود گفتند: ما از شما و آنچه به جز خدا می‌پرستید، بیزاریم. به شما کفر می‌ورزیم و میان ما و شما دشمنی و کینه همیشگی پدیدار شده، تا وقتی که فقط به خدا ایمان آورید.

ابراهیم و پیروان خالصش در موضوع توحید محوری و برائت از شرک و مشرکان، اسوه تمام مؤمنان و حتی پیامبر اسلام معرفی شده‌اند. در مورد پیامبران دیگر نیز گاهی با عبارت «وَأذْکُرُ» و لفظ «اذ» پیامبر و مخاطبان قرآن به توجه کافی و رهنمودگیری و عبرت‌آموزی دعوت شده‌اند، اما از هیچ یک، تأسی مطلق استنباط نمی‌شود، ضمن آنکه در سوره انعام پس از ذکر اسامی بیشتر انبیای مذکور در قرآن، اقتدا به هُدای ایشان را سفارش می‌فرماید که به مفهوم تأیید تمام سیره ایشان نیست: اولئک الذین هدی الله فیهُدیهم اقتده (۱) (اینان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده، پس به هدایت آنان اقتدا کن).

۳- مقامات تبلیغی پیامبر در قرآن

پیامبر بزرگوار صلی الله علیه وآله و سلم از سوی ذات اقدس الهی بارها در قرآن به مقامات و مراتب

۲. و لا تکن کصاحب الحوت ... (قلم، ۲۸) و مانند صاحب ماهی (یونس) مباش.
۳. ر.ک. [۹]، خطیه ۱۶۰، ص ۲۲۶.



والای تبلیغی مفتخر شده است. القاب و عبارات قرآنی نازل شده در این باره را می‌توان «مدالهای تبلیغی» این چهره تابناک قرآن دانست، که از سویی تنوع و جامعیت شیوه‌ها و مبانی دعوت و عظمت کارکرد تبلیغی آن حضرت نیز از آنها استفاده می‌شود:

- لقد كان لكم في رسول الله اسوة حسنة (احزاب، ۲۱) برای شما در وجود رسول خدا تأسی نیکویی است.

- يا ايها النبي انا ارسلناك شاهداً و مبشراً و نذيراً و داعياً الى الله باذنه و سراجاً منيراً (احزاب، ۴۵) ای پیامبر، ما تو را به سمت گواه و بشارتگر و هشدار دهنده فرستادیم، و دعوتگر به سوی خدا و به فرمان او و چراغی افروزنده.

- و ما ارسلناك الارحمة للعالمين (انبیاء، ۱۰۷) و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم.

- يتلوا عليهم آياته و يركبهم و يعلمهم الكتاب و الحكمة (ال عمران، ۱۶۲ و جمعه، ۲)

و آیات خدا را برایشان بخواند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد.

- انما انت مُذَكَّرٌ (غاشیه، ۲۱) تو تنها تذکر دهنده‌ای.

- لقد جاءكم رسول من انفسكم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمومنین رؤوف رحیم (توبه، ۱۲۸) قطعاً برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است که شما در رنج بیفتید، به هدایت شما حریص و نسبت به مؤمنان دلسوز مهربان است، و در یک کلام؛ و انک لعلی خلق عظیم (قلم، ۴) و براستی تو را خوی و الایی است.

القاب و مدالهای تبلیغی اسوه حسنه، شاهد، مبشر، نذیر، داعی، سراج منیر، رحمة للعالمین، مذكر (یادآور)، خواننده آیات، مزکی و معلم، حریص بر هدایت مردم، رؤوف رحیم (مهربان) در آیات فوق مورد اشاره قرار گرفته و مهمتر آنکه به خلق عظیم، پیامبر را ستوده که ناظر بر همه جنبه‌های اخلاق فردی، اجتماعی و تبلیغی است. از طرفی به لحاظ مباحث خاص تبلیغ، می‌توان محوری‌ترین مقام آن حضرت را مقام رحمة للعالمین دانست، چه این صفت در تمام اقدامات تبلیغی و زوایای دعوت پیامبر اسلام تجلی و تبلور ویژه دارد. ضمناً در آیات دیگر، القاب ذکر، هادی و گشاینده غل و زنجیرها نیز به آن حضرت اعطا شده است.

۴- مأخذ شیوه‌های تبلیغی پیامبر اکرم (ص)

قرآن کتاب هدایت و مرامنامه دعوت پیامبران، بویژه نبی خاتم است و به همین سبب، آیات قرآنی و بویژه آیات قصص انبیا و آیات حکایتگر داستان زندگی و اقدامات رسول اکرم، معتبرترین منبع شیوه‌های دعوت آن حضرت است. ما در این تحقیق پیش از هر چیز به نص آیات استناد کرده و آنگاه به روایات معتبر منقول از معصومان مراجعه کرده‌ایم تا شیوه‌های با اهمیت و برجسته پیامبر را در تبلیغ آیین مسلمانی و تعالیم قرآنی، استخراج، بررسی و تحلیل کنیم.

۵- تعداد و تنوع شیوه‌های تبلیغی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم
جامعیت دعوت پیامبر و عظمت و خاتمیت رسالت آن حضرت موجب آن شده است که شیوه‌های
دعوتش از تنوع و تکثر قابل توجهی در مقایسه با اسوه‌های دیگر قرآنی برخوردار شود. این تنوع به
حدی است که بررسیها و نگارشهای طولانی و وسیع را می‌طلبد و تلاشهای انجام شده در قیاس با
میزان شایسته آن بس اندک است.

به هر تقدیر، در بررسی ما حدود پنجاه شیوه مستقل از دعوت اسلامی پیامبر اکرم (ص) استخراج
شده است؛ از راهکارهای اساسی و استراتژیها گرفته تا شیوه‌های مقطعی و جزئی، و از این میان
برجسته‌ترین این شیوه‌ها را در مقاله حاضر در سه محور ارائه می‌کنیم، ضمن آنکه براساس مطالعات
انجام شده معتقدیم که با نگاه دقیقتر و بررسی وسیعتر در سیره تبلیغی آن حضرت، می‌توان دهها
شیوه کار ساز دیگر را استنباط کرد. در گزینش شیوه‌ها سعی شده است زوایای ناشناخته تبلیغ نبوی
مورد عنایت بیشتر قرار گیرد.

۵-۱- محور اول: شیوه‌های گفتاری

مراد از شیوه‌های تبلیغی گفتاری و قولی، روشهایی است که به نهوی با سخن و کلام قابل ارائه بوده و
بدون کلام، اتخاذ آنها تقریباً ناممکن است. بی‌تردید، این شیوه‌ها به تنهایی نمی‌توانند فرایند تبلیغ را به
نتیجه مطلوب هدایت کند، بلکه هماهنگی و ارتباط سنجیده این شیوه‌ها با شیوه‌های عملی و نیز
شیوه‌های مرکب می‌تواند در روند دعوت، پیامدهای نیکویی را به ارمغان آورد. در این مقاله سعی ما بر
ارائه مؤثرترین و با اهمیت‌ترین شیوه‌های قولی پیامبر اسلام (ص) در تبلیغ است.

۵-۱-۱- بیان صریح عقاید و استدلال منطقی

براساس بیان قرآن کریم، پیامبر در اولین مرحله دعوتش، اعتقادات خود را با صراحت به مخاطبان
اعلام می‌کرد و آنگاه با استدلالهای متقن، متین و منطقی سعی در تحکیم آنها و اتقان مردم می‌نمود؛ قل
انما امرت ان اعبدالله و لا اشرك به الیه ادعو و الیه مآب (رعد، ۳۶) بگو جز این نیست که من مأمورم خدا
را بپرستم و به او شرک نرورزم، به سوی او می‌خوانم و بازگشتم به سوی اوست.

چنانکه در کتب سیره آمده، آن حضرت بارها در بازارها و مجامع مختلف مکه و اطراف آن مردم را
به عقاید خود که نفی عبادت بتها و پرستش خالصانه الله بود فرا می‌خواند؛ شعار «قولوا لا اله الا الله
تقلوا» خود اعلام عقیده‌ای صریح است.

نیز در مقام استدلال، با راهنمایی الهی برای اثبات توحید چنین می‌فرمود:

ان الذین تدعون من دون الله لن یخلقوا ذباباً ولو اجتمعوا له (حج، ۷۳) کسانی را که جز خدا
می‌خوانید، حتی مگسی نمی‌آفرینند، هر چند برای آن اجتماع کنند.

اتعبدون من دون الله مالا یملککم حسراً و لا نفعاً (مائده، ۷۶) بگو: آیا غیر از خدا چیزی را که



اختیار سود و زیان شما را ندارد، می‌پرستید؟
و همچنین دهها استدلال دیگر از این قبیل.

۵-۱-۲- دعوت به مشترکات

به منظور یافتن راهی برای نفوذ در دل و اندیشه مخاطبان، پیامبر در صدد بیان نقاط مشترک عقیدتی با آنان بود تا آن مشترکات را واسطه ارتباط عمیقتر و مناظره منطقی قرار دهد؛ از این رو در مواجهه با یهود و نصاری بر عقاید صحیح و قابل قبولشان انگشت می‌نهاد:

- قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمة سواء بیننا و بینکم الا نعبد الا الله و لا نشرک به شیئاً و لا یتخذ بعضنا بعضاً ارباباً من دون الله (آل عمران، ۶۴) بگو ای اهل کتاب، بیایید بر سر سغنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که: جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا به خدایی نگیرد ...

- وقولوا امناً بالذی انزل الینا و انزل الیکم و الهنا و الهکم واحد و نحن له مسلمون (عنکبوت، ۲۵)
و بگوید: به آنچه به سوی ما نازل شده و آنچه به سوی شما نازل شده ایمان آوریم و خدای ما و شما یکی است و ما تسلیم اویم.

یکی از نویسندگان در این ارتباط می‌گوید:

«پیامبر به جای آنکه از ابتدا نقاط اختلافی و تعصب‌انگیز را مطرح سازد، بر توحید که قدر مشترک ادیان است تأکید می‌ورزد و خدا به پیامبر فرمان داده که به این شیوه مجهّز باشد.»^۲

۵-۱-۳- تردیدافکنی در مخالفان

از آنجا که عقیده باطل چون کف روی آب، ناپایدار است و با اندک تشکیک و تردید افکنی به لرزه می‌افتد، پیامبر (ص) در مواضع متعدد با راهنمایی قرآن این شیوه را تجربه فرموده است:

- قل من یرزقکم من السموات و الارض قل الله و انا او ایاکم لعلی هدی او فی ضلال مبین (سبأ، ۲۴)
بگو: کیست که شما را از آسمانها و زمین روزی می‌دهد؟ بگو: خدا، و در حقیقت یا ما یا شما بر هدایت یا گمراهی آشکاریم.

«در این آیه، خداوند با تحدی و تهاجم به مناظره با کفار نمی‌پردازد، بلکه با تلاشی برای ایجاد شک در اعماق وجود آنها سعی می‌کند تا فطرت خفته و سرشت نهفته ایشان را بیدار و متوجه حقیقت کند تا به بطلان اعتقادشان واقف شوند و به نور ایمان مهتدی گردند.»^۵

گفتنی است که در اتخاذ این شیوه، نوعی تنازل مقطعی از مواضع خدشه‌ناپذیر داعی و به بیان دیگر نوعی همراهی با مخاطب لازم است که فواید بسیاری، از جمله پیشگیری از تعصب و رزی و تندخویی مخاطب را دربر دارد.

۵-۱-۲- تصدیق رساله‌های پیشین

جامعیت و کمال نظام اعتقادی اسلام و نظام تبلیغی پیامبر موجب آن نیست که بکلی از دعوت‌های پیامبران پیشین جدایی و بی‌اعتنایی گزینند، بلکه براساس رهنمود الهی (فَبِهَدْيِهِمْ اَقْتَدِه) با جدیت تمام، نه تنها بر تعالیم حقه آنان صحه می‌گذارد، بلکه در موارد بسیار، احکام شرایع پیشین را تثبیت می‌کند و با صبغه اسلام بر آنها مهر تأیید می‌زند. این جلوه‌ای از پایبندی دعوت اسلامی به حقیقت است که در تأیید و تجلیل آیین ابراهیم و افتخار به التزام آن می‌گوید:

قل اننی هدانی ربی الی صراط مستقیم دیناً قیماً ملة ابراهیم حنیفاً و ماکان من المشرکین (انعام،

۱۶۱)

بگو: آری، پروردگار مرا به راه راست هدایت کرده است، دینی پایدار، آیین ابراهیم حق‌گرای، که او از مشرکان نبود.

ثم جاءکم رسول مصدق لما معکم لتؤمنن به ولتنصرنه (آل عمران، ۸۱) سپس شما را فرستاده‌ای آمد که آنچه را با شماست تصدیق کرد، البته به او ایمان بیاورید و یاریش کنید.

۵-۲- محور دوم: شیوه‌های مرکب

منظور از شیوه‌های مرکب، آن دسته از روش‌های تبلیغی پیامبر است که گفتار و کلام از یک سو، و رفتار و عمل از سوی دیگر در اتخاذ و عمل به آن دخالت دارد. اهمیت این محور آنگاه روشن می‌شود که تأکید قرآن بر تلازم قول و عمل، بویژه در عرصه‌های اخلاقی و اجتماعی را مد نظر داشته باشیم. شکی نیست که توأم شدن قول و فعل در این دسته از شیوه‌ها ضامن اثرگذاری و کارآیی آن بوده است:

۵-۲-۱- سازش‌ناپذیری در اصول

آنگاه که مخالفتها و ستیزها در برابر پیامبر متوجه اصول اعتقادی و عملی مانند توحید، معاد، عدالت و عدم تبعیض می‌شد، هیچ‌گونه نرمش و سازشی از سوی آن حضرت مشاهده نمی‌شد.

«براساس روایتی، اهل مکه به پیغمبر گفتند: ای محمد، آیین قومت را ترک گفتی، در حالی که ما می‌دانیم جز فقر تو را به این امر و انداخته، پس بیا تا ما از داراییهای خود برای تو گرد آوریم و تو را از ثروتمندترین مردم گردانیم. پس این آیه نازل شد: قل اغیرالله اتخذ ولیاً فاطر السموات و الارض ... (انعام، ۱۴)»^۶

ترجمه آیه چنین است: «بگو: آیا غیر از خدا - پدید آورنده آسمانها و زمین - سرپرستی برگزینم و اوست که خوراک می‌دهد و خوراک داده نمی‌شود. بگو: من مأمورم نخستین کسی باشم که اسلام آورده است.»

از طرف دیگر، آن حضرت با اسلوب منطقی و روشنی که در پیش می‌گرفت، در برابر مساومعه و



سرباز زدن از قبول استدلالها، میدان را به مخالفان مشرک واگذار نمی‌کرد: «روایات متعددی مبنی بر سازش و گرایش مشرکان به اسلام، به شرط مدهانه و سازش رسول گرامی و ترک معایب بتها و پیروی از بعضی از عقاید آنها به منظور حفظ آبروی ایشان در برابر توده‌های عرب در تاریخ ذکر شده است. اما چون این درخواستها در مورد اصل دیانت و عقاید بنیادین بوده، هیچ گونه نرمشی را از سوی پیامبر (ص) در پی نداشته است»^۷.

همچنین استاد مطهری درباره پایبندی پیامبر بر اصول و ایستادگی و عدم نرمش در برابر مشرکین می‌گوید:

«پیامبر در مسائل اصولی هرگز نرمش نشان نمی‌داد؛ در حالی که در مسائل شخصی فوق‌العاده نرم و مهربان بود و فوق‌العاده عفو و گذشت داشت. اینها نباید با یکدیگر اشتباه شود»^۸.
تاریخ و سیره پرافتخار پیامبر نشان می‌دهد که آن حضرت علی‌رغم تمام شیوه‌های رندانه دشمن، مانند تحبیب، تطمیع، تهدید، تهمت، شکنجه، سوء قصد و در نهایت محاصره اقتصادی و سیاسی^۹، راه مدهانه را در هیچ مقطعی پیش نگرفت.

۵-۲-۲- برائت از شرک

پس از ارائه تعالیم دعوت و به کارگیری شیوه‌های اقناعی متنوع، اگر نشانی از پذیرش در مخاطبان مشاهده نشد، نوبت به اظهار بیزارای از شرک و مشرکان می‌رسد و این کار در واقع در راستای شیوه سازش ناپذیری صورت می‌گیرد. این شیوه به فراخور نوع و شدت برخورد مخاطبان، با مراتبی از شدت و ضعف اعمال شده است؛ در جایی برائت خفیف ابراز شده است:

- لا اعبد ما تعبدون و لا انتم عابدون ما اعبد (کافرون، ۲ و ۳) آنچه شما می‌پرستید من نمی‌پرستم. شما نیز نمی‌پرستید آنچه من می‌پرستم. و در جای دیگر با اندکی شدت؛ - لکم دینکم ولی دین (کافرون، ۶) دین شما برای خودتان و دین من برای خودم.

و در شرایط دیگر با شدت بیشتر؛ - ائنکم لتشهدون ان مع الله لخرة قل لا اشهد قل انما هو اله واحد و اننی بریء مما تشرکون (انعام، ۱۹) آیا شما گواهی می‌دهید که در جنب خدا، خدایان دیگری است؟ بگو من گواهی نمی‌دهم. بگو: او تنها معبود یگانه است و بی‌تردید من از آنچه شریک او قرار می‌دهید، بیزارم.

و گاهی در اجتماع بزرگ مردم؛ - و اذان من الله و رسوله الی الناس یوم الحج الاکبر ان الله بری من المشرکین و رسوله (توبه، ۳) و (این آیات) اعلامی است از جانب خدا و رسولش به مردم در روز حج اکبر که خدا و رسولش در برابر مشرکان تعهدی ندارند و از آنان بیزارند.

و زمانی همراه با برائت از رفتار مشرکان؛ - و اخفض جناحک لمن اتبعک من المؤمنین فان عصوک

۸. رک. [۲۲] ص ۳۳۶.

۷. رک. [۱۸] ج ۶ ص ۳۶۵۹.

۹. رک. [۶] ص ۹۹.

فقل انی بریء مما تعملون (شعراء، ۲۱۶) و برای آن مؤمنانی که تو را پیروی کرده‌اند، بال خود را فرو گستر. و اگر تو را نافرمانی کردند، بگو من از آنچه می‌کنید بیزارم.

۵-۲-۳- ابتکار عمل و استفاده از همه فرصتها در دعوت

از جمله راهکارهای اساسی تبلیغی پیامبر، فعالیت پیگیر در همه عرصه‌ها و فرصتها برای گسترش دعوت و ایجاد فرایندهای تبلیغی متنوع بود؛ از طرفی با روحیه شاد و رویی گشاده در پی صید دلها و یافتن دوستان و همدردان جدید بود، و از سویی در میان افراد خانواده و قبایل گوناگون حضور می‌یافت و مرکز به امید مراجعه دیگران در گوشه‌ای آرام نمی‌گرفت، بلکه همواره در جستجوی دل درد آشنا و گوش شنوا و کام تشنه هدایت می‌گشت. علی علیه السلام درباره این صفت پیامبر فرموده:

«طیب دوار بطبه قد احکم مرا همه و احمی مواسمه یضع من ذلک حیث الحاجة الیه ... منتتبع بدوائه مواضع الغفلة و مواطن الحیرة»^{۱۱} (پیامبر) طیب سیاری بود که به فراخور شرایط بیماران، مرهم مناسب و موسم (داغ) مؤثر می‌نهاد ... و با مداوای خود در جستجوی عوامل غفلت و سرگردانی مردم بود.

طبری درباره دعوت انفرادی پیامبر می‌گوید: «پیامبر از ورود هیچ تازه‌واردی از عرب، که دارای نام و شهرت و شرافتی بود مطلع نمی‌شد مگر آن که به نزد او می‌رفت و دعوت خویش را به او عرضه می‌کرد»^{۱۲}. درباره دعوت جمعی او نیز، نقل مؤلف «الطبقات الکبری» چنین است:

«شیوه پیغمبر از آغاز دعوت علنی این بود که هر سال در هنگام موسم حج به منزلگاههای حجاج در عکاظ، مجنة و ذی المجاز وارد می‌شد و آنان را به حمایت از خویش به منظور ابلاغ رسالت الهی می‌خواند و در برابر، وعده بهشت می‌داد، اما هیچ کس به یاریش نمی‌شتافت، حتی از قبایل گوناگون سراغ می‌گرفت و خطاب به آنان ندا می‌داد: ای مردم، بگویید معبودی جز الله نیست تا رستگار شوید و عرب را تحت حاکمیت خود در آورید و عجم در برابرتان تسلیم شود. اگر ایمان بیاورید، پادشاهان بهشت خواهید بود»^{۱۲}.

کتاب سیره موارد بسیاری از دعوت فردی و قبیله‌ای آن حضرت را به تفصیل ذکر کرده‌اند، مانند دعوت بزرگان قبایلی چون «سوید بن صامت، ایاس بن معاذ، طفیل بن عمرو دوسی، عدی بن حاتم، مالک بن عوف و دیگران.

یکی از مهمترین مأموریت‌های تبلیغی پیامبر سفر به طائف به منظور ارائه اسلام بود که البته موفقیت چندانی در پی نداشت. در این راستا همچنین، هیأت‌های نمایندگی طوایف و مناطق بگرمی از سوی پیامبر (ص) مورد استقبال قرار می‌گرفتند و اصول مسلمانی به ایشان آموخته می‌شد؛ بویژه در سال نهم (عام الوفود) پس از فتح مکه، که هیأت‌های بنی تمیم، ثقیف، بنی حارث و غیره شرفیاب شده و اغلب، پس از

۱۱. رک. [۱۴]، ص ۱۲۰۴.

۱۰. رک. [۹] خطبه ۱۰۷، ص ۳۲۱.

۱۲. رک. [۱]، ج ۱، ص ۲۰۳.



قبول اسلام به وطن خویش باز می‌گشتند.

۵-۲-۲- مبارزه با عوام‌فریبی و سنتهای غلط

از جمله شیوه‌های مرکب و روشهای برجسته تبلیغ پیامبر، مقابله با سنتهای خرافی و غلط بود. از دیدگاه این داعی اصلاحگر، یکی از بیماریهای بزرگ بشر بویژه در عربستان، عوام‌فریبی و سنتهای پوچ و عقاید بی‌پایه بود و بلکه بت‌پرستی با آن همه گستردگی و نفوذ در آن منطقه، جز نوعی عوام‌فریبی بزرگ نبود. لذا به مبارزه جدی با این انحراف کمر همت بست. براساس روایت ابوذر، چون سلمان با دیدن رسول خدا (ص) بر پای او می‌افتد و آنها را می‌بوسد، پیامبر او را چنین نهی می‌کند: یا سلمان، لا تصنع بی ما تصنع الا عجم بملوکها انا عبد من عبیدالله^{۱۳} ای سلمان، با من آنگونه که عجم با پادشاهانشان برخورد می‌کنند رفتار مکن. من بنده‌ای از بندگان خدا هستم.

نیز هنگامی که مردم فوت پسر محبوب رسول خدا، ابراهیم را باعث گرفتگی خورشید می‌شمردند، پیامبر با این خطای فکری و عقیدتی اینچنین به مبارزه و اصلاح می‌پردازد: «ماه و خورشید دو نشانه از نشانه‌های خداوند هستند و برای مرگ و زندگی کسی نمی‌میرند»^{۱۴} و با این سخن، عقیده باطل و خرافه‌ای را که در ذهن آنها شکل گرفته بود درهم می‌کوبد.

استاد مطهری به فلسفه این برخورد اشاره‌ای می‌کند: «پیغمبر نمی‌خواهد از نقاط ضعف مردم برای هدایت آنان استفاده کند. می‌خواهد از نقاط قوت مردم استفاده کند، نه از جهالت و نادانی، بلکه از آگاهی و بیداری»^{۱۵}.

داستان برخورد اصلاحی پیامبر با برخی افکار، عادات و آداب غلط مانند نحوه نگرش به فرزندان دختر و آنچه از آداب جاهلی با مناسک حج ابراهیمی ممزوج شده بود، نمونه‌های دیگر جدیت پیامبر در بسط حقیقت و محو باطل و اصلاح انحرافات است.

۵-۲-۵- ارتباط صمیمی و پاسخ آرام

یکی از رموز موفقیت چشمگیر پیامبر در عرصه دعوت، مهربانی، خوشرویی و برخورد مشفقانه و مهرآمیز و دوستی خالصانه با مخاطبان بود. او مشرکان را به منزله بیماران نیازمند مداوا و مؤمنان را برادرانی محتاج راهنمایی و هر دو گروه را لایق شفقت ورزی می‌دید و از این جهت برخوردی در نهایت صمیمیت، عاطفه و دلسوزی داشت، تا دل‌های آنان را برای پذیرش پیامهای آسمانی نرم و پذیرا گرداند و از مقاومت و عنادشان بکاهد. امیر مؤمنان در این باره فرمود:

«پیامبر نرم‌خوترین مردم و در معاشرت بزرگوارترین مردم بود»^{۱۶}.

۱۳. ر.ک. [۲۱]، ج ۷۶، ص ۶۳.
۱۴. ر.ک. [۱۰]، ج ۲، ص ۹۸۳ [۵]، ص ۳۸۳.
۱۵. ر.ک. [۲۲]، ج ۱۶، ص ۳۳۱.
۱۶. ر.ک. [۲۱]، ج ۱۶، ص ۳۳۱.

۱۳. ر.ک. [۲۱]، ج ۷۶، ص ۶۳.
۱۵. ر.ک. [۲۲]، ص ۳۳۶.

انس بن مالک از صحابیان مشهور، می‌گوید: «عادت پیامبر چنین بود که مریض را عیادت می‌کرد و به تشییع جنازه می‌رفت و دعوت عبد را (به میهمانی) اجابت می‌کرد»^{۱۷}.

همچنین در روایات آمده است، «رسول خدا هرگاه کسی را افسرده می‌دید با خوشرویی و مزاح، او را شادمان می‌ساخت و می‌فرمود: خداوند کسی را که در حضور برادرانش روی ترش کند، دوست نمی‌دارد»^{۱۸}.

این صفات نیکو، آن هنگام که پیغمبر گرامی با تندخویی و تهمت زنی مخالفان مواجه می‌شد تبلور بارزتری داشت. هرگاه شخصیت آن حضرت آماج تیرهای تهمت و دشنام کوردلان و ناآگاهان واقع می‌شد، پاسخ حضرتش پیوسته از روی کرامت نفس، سعه صدر، اغماض و گذشت بود. ابن هشام در سیره‌اش می‌گوید:

«علما و اعیان یهود بسیار از پیامبر پرسشهای عیجیویانه و معاندانه می‌کردند و شبهاتی به منظور خلط حق و باطل مطرح می‌کردند و پیامبر با رهنمود قرآن، به طور کامل پاسخ آنها را می‌داد»^{۱۹}.

همچنین علامه مجلسی در بحارالانوار روایت می‌کند که چون همسر ابولهب پس از نزول سوره تبت (مَسَد) در صدد انتقام از پیامبر و هجو او برآمد، در ضمن سخنی شعرگونه، آن حضرت را «مُدَّم» (به جای محمّد) خواند. پیامبر پس از پناه بردن به خدا، بزرگوارانه فرمود: اینها مُدَّم (مُدَّت شده) را سرزنش می‌کنند و من محمّد (ستوده شده) هستم (یعنی خطاب آنها به من نیست)^{۲۰} گاهی نیز در مقابل پرخاش و تندی شخص تازه‌وارد، در برخوردی عمیق و روانشناسانه، به اصحاب امر می‌کرد که حاجت او را برآورده سازید.

۵-۲-۶- ترویج فرهنگ اخوت

براساس رهنمودهای روشنگر قرآن، از جمله: انما المؤمنون اخوة (حجرات، ۱۰)، رسول خدا (ص) از راههای مختلف می‌کوشید فرهنگ برادری و اخوت اسلامی، در تفکر، گفتار و عمل مسلمانان تجلی یابد. پیامبر علاوه بر آنکه به طور پیوسته مردم را به همدردی، محبت، عطوفت، فریادرسی و مصافحه، دستور داده و از بی‌مهری، کناره‌گیری، دروغ، تهمت، سخن‌چینی، نیرنگ بازی و فخر فروشی نسبت به یکدیگر منع می‌فرمود، دوبار رسماً اقدام به عقد اخوت میان مؤمنین کرد:

بار اول، پیش از هجرت میان مهاجران، که با توجه به پیش‌رو داشتن مأموریتی سترگ و سرنوشت‌ساز، نیازمند یاری، همبستگی و تعاضف بودند، در این مرحله «میان مهاجران دو به دو عقد برادری برقرار کرد؛ بین ابوبکر و عمر، حمزه و زیدبن حارثه، عثمان و عبدالرحمن بن عوف، زبیر و عبدالله بن مسعود و ... و میان علی و خودش. و به علی فرمود: آیا راضی نیستی که من برادر تو باشم؟ گفت: آری، راضی‌ام. فرمود: تو برادر من در دنیا و آخرتی»^{۲۱}.

۱۷. ر.ک. [۱۱] ص ۴۷.
۲۰. ر.ک. [۲۱] ج ۱۸، ص ۱۷۶.

۱۷. ر.ک. [۱۵] ص ۲۶۲.
۱۹. ر.ک. [۲] ج ۱، ص ۵۱۳.
۲۱. ر.ک. [۳] ج ۲، ص ۲۰.



بار دوم، پس از ورود به مدینه بود که پیامبر برای تأسیس جامعه اسلامی، اخوت ایمانی مهاجران و انصار را به عنوان یکی از پایه‌های مستحکم نظام اسلامی شکل بخشید؛ فرمود: *تأخوا فی الله اخوین اخوین* (در راه خدا، با یکدیگر دو به دو برادر شوید). و دست علی ابن ابیطالب (ع) را گرفت و فرمود: *هذا اخی*.^{۲۲}

۵-۲-۷- احترام به کودکان

از جمله خصلت‌های ویژه رسول اکرم که کاملاً صبیغه تبلیغی دارد سلام و احترام به کودکان است. انس بن مالک روایت می‌کند که:

«رسول خدا بر کودکان می‌گذشت و به آنان سلام می‌کرد^{۲۳}».

نیز فیض کاشانی در *المحجة البیضاء* می‌نویسد: هرگاه رسول اکرم از سفری مراجعت می‌کرد، به احترام کودکان می‌ایستاد و امر می‌فرمود آنها را می‌آوردند و بعضی از آنان را در آغوش می‌گرفت و برخی را بر پشت و دوش خود سوار می‌کرد و اصحاب را به این کار سفارش می‌کرد. کودکان از این صحنه بی‌اندازه خوشحال می‌شدند و خاطره شیرین آن را هرگز فراموش نمی‌کردند^{۲۴}.

۵-۳- محور سوم: شیوه‌های عملی

برخی شیوه‌های اعمال شده در تبلیغ پیامبر اکرم تماماً دارای جنبه عملی بوده و گفتار در آن دخالتی نداشته یا کمترین نقش را داشته است، که در اینجا به بررسی مهمترین آنها می‌پردازیم، تا ضمن شناسایی بیشتر سیره تبلیغی حضرتش، بر اهمیت توجه به تبلیغ عملی و غیرمستقیم و آثار ماندگار آن تأکید ورزیم و آن را در معرض کاوش جدیتر ارباب نظر قرار دهیم.

۵-۳-۱- مدارا، نرمش و آسانگیری در مسائل شخصی و جزئی

در کنار صلابت و سازش ناپذیری در مسائل اصولی و میانی عقیدتی، در مسائلی که حق شخص پیامبر مطرح بود، آن حضرت نرمش و رفق بسیاری به خرج می‌داد. استاد مطهری می‌گوید: «پیغمبر در مسائل فردی و شخصی، نرم و ملایم بود نه در مسائل اصولی^{۲۵}». و آنگاه نمونه‌هایی را ذکر می‌کند؛ از جمله داستان آن یهودی مدعی که با خشونت علیه پیامبر اقامه دعوی کرد و قاضی به نفع یهودی حکم کرد و یهودی وقتی تحمل خشونت و پذیرش این قضاء و داوری را از سوی پیامبر مشاهده کرد، به خود آمد. در آسانگیری او کافی است به سخن انس بن مالک توجه کنیم: «مدت نه سال در خدمت پیامبر (ص) بودم، اما به یاد ندارم هیچ گاه گفته باشد: چرا فلان کار را به انجام نرساندی؟ و هرگز در کاری از من عیب نگرفت^{۲۶}».

۲۳. ر.ک. [۲۳] ج ۲، ص ۲۸.

۲۵. ر.ک. [۲۲] ص ۲۳۸.

۲۲. ر.ک. [۲] ج ۲، ص ۴۱۲۴ [۱] ج ۱، ص ۲۳۸.

۲۴. ر.ک. [۱۷] ج ۳، ص ۳۶۶.

۲۶. ر.ک. [۱۱] ص ۵۲.

چرا که خود می‌فرماید: ان الله ارسلني مبلغاً و لم يُرسلني متعنتاً^{۲۷} (خداوند مرا برای تبلیغ فرستاده نه برای سرزنش و عیبجویی) و در جای دیگر فرمود: انما انا لکم مثل الوالد لولده^{۲۸} (همانا من برای شما همچون پدر برای فرزندان هستم).

نویسنده کتاب «المنهج الحرکي» نیز درباره آثار این صفات نیکو می‌نویسد:
 «اگر این رفق و مدارا نبود، احساسات دلها پیرامون او گرد نمی‌آمدند و اگر این بردباری و حلم زایدالوصف و رعایت عواطف و صمیمیت و تواضع با مردم نبود، هرگز این تأثیر در نفوس امکانپذیر نمی‌شد و جانهای آدمیان با او همراه نمی‌شدند^{۲۹}».

۵-۳-۲- توجه به طبقات مختلف بویژه ضعفا و جوانان

با توجه به روحیه حق‌پذیری و تلاشگری و تحرک موجود در جوانان و نیز با عنایت به حقجویی و اخلاص وافر ضعفا، مستمندان و تهیدستان از تعلقات جدی دنیوی، در تبلیغ پیامبر، اهتمام ویژه‌ای به این قشرها معطوف شد. طبق روایت ابن سعد و دیگر سیره نویسان، «ایمان آوردگان نخستین، بیشتر از ضعفا و جوانان بودند^{۳۰}». به طوری که گاهی سران شرک نزد افرادی چون عبدالملک و ابوطالب، این شکایت را می‌بردند که محمد (ص) فرزندان، جوانان، بردگان و کنیزان ما را از راه به در می‌برد^{۳۱}.

نمونه ضعف و جوانان مورد توجه ویژه پیامبر که از استعداد، اخلاص و معارف والایی برخوردار بودند عبارت است از، عمار یاسر، صهیب بن سنان، بلال بن رباح، خباب بن الارت و عامر بن فهیره که نقش آنها در تحولات مهم تاریخ اسلام غیرقابل انکار است.

۵-۳-۳- مرحله بندی تبلیغ و زمانبندی فعالیتها

در هر مأموریت بزرگ، زمانبندی فعالیتها و اقدامات برای استفاده بهتر از فرصتها ضرورت دارد. برخی سیره‌نویسان، مراحل دعوت نبوی را در دو و برخی سه مرحله گنجانده‌اند:

یک - مرحله دعوت مخفی و انفرادی؛ که سه سال به طول انجامید. «به روایت طبری، حضرت رسول، از ابتدای نبوت تا سه سال به طور نهانی دعوت می‌کرد، تا مأمور به اظهار دعوت شد و آیه «فاصدع بما تؤمر و اعرض عن المشرکین (حجر، ۹۴) و آیه «و انذر عشیرتک الاقربین (شعراء، ۲۱۴) فرود آمدند^{۳۲}». دو - مرحله انذار عشیره با نزول آیه و انذر عشیرتک الاقربین؛ در این مرحله که بین دو مرحله دعوت مخفی و آشکار واقع شده و مدتی محدود و اندک به طول انجامید، پیامبر سعی در تشکیل نخستین صف ایمانی و خط دفاعی در برابر دشمنیهای روزافزون مشرکان داشت. آن حضرت در این مرحله، از تعلقات قبیله‌ای خویشان خود نیز بهره جست تا حمایت آنان را جلب کند.

سه - مرحله دعوت آشکار و همگانی؛ با نزول آیه فاصدع بما تؤمر و اعرض عن المشرکین انا کفیناک

۲۸. رک. [۱۷]، ج ۱، ص ۱۱۹.

۳۰. رک. [۱]، ج ۳، ص ۱۷۳.

۳۲. عباس زریاب، سیره رسول الله، ص ۱۱۵.

۲۷. رک. [۲۴]، ج ۳، ص ۹۳۳ [۶]، ص ۲۱.

۲۹. رک. [۸]، ص ۱۹۴.

۳۱. رک. [۲]، ج ۴، ص ۱۹۶.



المستهنّین (حجر، ۹۲ و ۹۵) فرمان دعوت علنی و آشکار به پیامبر رسید و دوران تبلیغ بی‌وقفه در صحنة اجتماع و درگیریها و موضعگیریهای خصمانه آغاز شد.

«پس از آنکه پیامبر بستگان نزدیک خود را ائذار کرد و پس از انتشار قضیه نبوت در مکه، که قریش جدی بودن آن را درک کرد و حمله‌های خود را علیه آن شروع نمود، خداوند به پیامبرش فرمان داد تا دعوت خویش را علنی سازد و حتی از قریش بخواهد که تسلیم پروردگار شوند و اسلام را بپذیرند؛ پس آیه فاصدع بما تؤمر نازل شد^{۳۳}».

در باره چگونگی آغاز دعوت همگانی، روایات، متفاوت است و ما به ذکر یک مورد بسنده می‌کنیم: «آن حضرت بالای سنگی ایستاد و فرمود: ای گروه قریش! ای خلق عرب! شما را به لا اله الا الله و رسالت خویش دعوت می‌کنم و به شما فرمان می‌دهم که بتها و شریکها را رها سازید و دعوت مرا اجابت کنید تا مالک تمام عرب شوید و عجم به دین شما درآید و در بهشت از سلاطین شوید. مردم او را مورد استهزاء قرار داده گفتند: پسر عبدالله دچار جن‌زدگی شده است^{۳۴}».

۵-۳-۲- هجرت

هر چند هجرت را می‌توان در بحث مرحله‌بندی تبلیغ جای داد، اما به لحاظ اهمیت و تأثیر ویژه آن جداگانه قابل بررسی است. با توجه به اصل ابتکار عمل در دعوت نبوی، در چند مقطع، پیامبر به محض آنکه راه را برای اثرگذاری دعوت و پیشرفت آن بسته دید، با پرهیز از سکون و ثبات - که برای حرکت‌های اصلاحی و انقلابی چونان سم مهلک است - هجرت را برگزید و پس از مطالعه دقیق شرایط، برای یافتن عرصه‌های جدید، به مناطق دیگر عزیمت کرد.

مهاجرت اول گروهی از مسلمانان به حبشه، سفر هجرت وار پیامبر به طائف، مهاجرت دوم به حبشه و هجرت به مدینه، مهمترین مصادیق شیوه هجرت را تشکیل می‌دهند. «حضرت می‌خواست پیروان او مدتی از آزار و استهزاء و تعقیب قریش در امان باشند تا شاید زمانی فرا رسد که عده مسلمانان بیشتر و برای اسلام و تبلیغ آن محیط امن‌تری به وجود آید^{۳۵}».

سید قطب بر هدف دوم یعنی یافتن محیطی امن برای دعوت، بیشتر تأکید می‌کند:

«اینان برای حفظ جانشان به هجرت نرفتند، بلکه برای ایجاد پایگاهی جدید و انتقال دعوت روانه شدند، چون همگی دارای قبیله و پشتوانه اجتماعی و حقوقی نیز بودند^{۳۶}».

آخرین نکته اینکه این مهاجرت‌ها، بویژه هجرت دوم مسلمین به حبشه و هجرت پیامبر به مدینه در سال سیزدهم بعثت، پس از مطالعه جدی و بررسی کامل اوضاع مکه، حبشه و مدینه و با هدف حفظ هسته مرکزی دعوت و نیروهای وفادار بود که با توفیق کامل به انجام رسید.

۳۳. ر.ک. [۱۵] ص ۵۳

۳۴. همان، ص ۱۵۲؛ [۲] ج ۳، ص ۳۴

۳۵. ر.ک. [۱۸] ج ۱، ص ۲۹

۳۶. عباس زریاب، سیره رسول الله، ص ۱۵۸

۵-۳-۵- برپا کردن پایگاههای تبلیغی

پیامبر برای تمرکز بخشیدن و سازماندهی صحیح و پیوسته فعالیت‌های تبلیغی حتی در دوران دعوت نهایی، در هر مقطع، پایگاهی برای تبلیغ مشخص می‌کرد. خانه «ارقم بن ابی الارقم» نخستین پایگاه بود که مسلمانان پیشتر در آنجا آموزش‌های قرآنی را فرا گرفتند.

«پس از آنکه ارقم اسلام آورد و به گفته خودش هفتمین نفری بود که ایمان آورده بود، خانه خود را در اختیار پیامبر و یارانش قرار داد و عده زیادی در این خانه اسلام آوردند و حتی اسلام اشخاص در آن نوعی تاریخ‌گذاری هم شد ... این خانه در دامنه کوه صفا قرار داشت و به همین جهت دارالاسلام خوانده شد^{۳۷}».

در دوران دعوت علنی، جدای از محافل کوچک خانوادگی، مهمترین پایگاه دعوت، مسجدالحرام بود که مسلمانان در آن به نماز و طواف و دیگر عبادات ویژه خود می‌پرداختند. در بدو ورود پیامبر به مدینه، مسجد قبا تأسیس و مرکز دعوت نبوی شد تا پس از چندی مسجدالنبی نیز ساخته شد. نکته مهم، کیفیت و دامنه بهره‌برداری آن حضرت از این پایگاههای دعوت است که برای اهداف مختلف عبادی، سیاسی، ارشادی، تعلیمی و قضایی و حتی اقتصادی و نظامی استفاده می‌شد.

۵-۳-۶- اعزام مبلغ به شهرها و قبایل

از نشانه‌های پویایی و تحرک دستگاه تبلیغی پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم، اعزام افرادی نخبه و با فضیلت از مسلمانان به میان مجموعه‌های انسانی دور و نزدیک است. این فرستادگان گاهی حامل پیام دعوت اسلام بودند و زمانی مأمور ارشاد و تعلیم ایمان آورندگان. در این راستا، معاذ بن جبل به جُمَیر فرستاده شد، عمرو بن حزم به سوی خاندان بنی الحارث و موارد دیگر.

از همه مؤثرتر و کارسازتر، اعزام «مُصعب بن عمیر» به مدینه، پس از پیمان اول عقبه برای تعلیم احکام و قرائت قرآن بود که می‌توان آن را موفقترین اعزام مبلغ در تاریخ ادیان دانست، چرا که «تبلیغات سازنده و مؤثر مصعب بن عمیر، مبلغ جوان و برازنده پیامبر و فعالیت تبلیغی بیعت کنندگان عقبه اول و دوم در میان مردم مدینه و در قبایل مختلف باعث شد که روز به روز نام رسول خدا بیشتر بر سر زبانها بیفتد و افراد زیادتری شیفته و دلباخته آن حضرت شوند^{۳۸}».

و نتیجه آن شد که این گروه آماده تعلیم دیده، پشتوانه اصلی پیامبر را در بسط ندای اسلام در مدینه تشکیل دادند و باعث گسترش روزافزون دعوت اسلامی شدند.

۵-۳-۷- ادب و احترام به شخصیت و آرای مردم

در سیره هیچ شخصیتی در طول تاریخ به اندازه سیره درخشان رسول مکرم اسلام، احترام و ادب برخاسته از عمق جان در قبال انسانها به چشم نمی‌خورد. آن حضرت حتی در مواجهه با کافران و



مشرکان، به لحاظ حرمت انسانی، جانب ادب را فروگذار نمی‌کرد و این از عوامل موفقیت چشمگیر دعوت او بود. منشأ این التزام به حفظ حرمت انسانها را در قرآن باید جستجو کرد؛ زیرا او تجسم قرآن بود (کان خلقه القرآن). همان قرآنی که در جای جای خود حریم انسانیت را بس محترم می‌شمارد.

- قولواللناس حسنا (بقره، ۹۳) با مردم به نیکی سخن گویید. - اذهبوا الی فرعون فقولا له قولا لینا (طه، ۲۴) به سوی فرعون روید و با او سخن نرم بگویید، در سفینه‌البحار می‌خوانیم:

«مردی وارد مسجد شد، در حالی که پیامبر به تنهایی نشسته بود، حضرت بلند شد و جا باز کرد، مرد (در شکفت شد و) گفت: ای رسول خدا، جای بسیار است. فرمود: حق مسلمان بر مسلمان است که اگر دید برادرش می‌نشیند (احترامش کند و) بلند شود و برایش جا باز کند»^{۳۹}.

همچنین از زبان شریف امام حسین (ع) می‌شنویم:

«پیامبر در مجلس خود، بهره هر کس را عطا می‌کرد، به طوری که هیچ کس گمان نمی‌کرد کسی از او نزد پیامبر گرامیتر باشد. مجلس او مجلس گذشت، حیا، راستی و امانت بود»^{۴۰}.

همین ادب و احترام وافر بود که موجب می‌شد در امور مختلف اجتماعی و سیاسی به مشورت با یاران بپردازد و دیدگاه هر یک را حرمت گذارد. البته مشورت را باید از شیوه‌های مرکب (کفتاری - عملی) دانست، اما به خاطر ارتباط نزدیک با این شیوه، در اینجا به مواردی از آن اشاره می‌کنیم:

ان رسول الله کان یستشیر اصحابه ثم یعزم علی ما یرید (رسول خدا با یارانش درباره قضایا مشورت می‌کرد و آنگاه تصمیم نهایی را می‌گرفت. تاریخ اسلام شاهد جدیترین مشورتهای حضرت رسول با یارانش در جنگها و هجرتهای سرنوشت ساز بوده است، مانند تصمیم‌گیری برای شیوه نبردهای بدر، احد و احزاب^{۴۱}. همچنین برای ترویج فرهنگ مشورت و تکریم اندیشه‌های مختلف، دیگران را نیز به آن سفارش می‌کرد؛ هنگامی که علی (ع) را به یمن گسیل می‌داشت، فرمود: یا علی ... ولاندم من استقشار (پشیمان نشد آن کس که مشورت کرد)^{۴۲}.

۵-۳-۸- بخشش به افراد و قبایل

شرح این شیوه را بی‌مقدمه از لسان مبارک امیر مؤمنان که ملازم همیشگی پیامبر بوده می‌شنویم:

«امیر مؤمنان چون رسول خدا را وصف می‌کرد می‌گفت: او سخاوتمندترین و گشاده دست‌ترین مردمان بود»^{۴۳}. او پیش از آنکه سائل زبان به درخواست باز کند بدو می‌بخشید. در مورد قبایل و گروهها نیز، بنا به نقل کتب سیره، پیامبر به وفد بنی تمیم که برای اظهار مسلمانی به حضورش رسیده بودند، جوایز نیکویی اهدا کرد. همچنین در مورد وفدهای قبایل جرش، همدان، سلمان، و وفد طی که برای ملاقات و استماع دعوت حضرتش شرفیاب شده بودند^{۴۴}.

۴۰. ر.ک. [۱۳]، ص ۱۴.

۴۲. شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۱۶.

۴۴. ر.ک. [۲]، ج ۴، ص ۱۶۸ به بعد.

۳۹. ر.ک. [۱۹]، ج ۱، ص ۴۱۶.

۴۱. ر.ک. [۲]، ج ۳، ص ۱۴؛ [۱۴]، ج ۲، ص ۴۳۴.

۴۳. ر.ک. [۲۱]، ج ۱۶، ص ۲۳۱.

۵-۳-۹- ساده زیستی

از پیامبر به عنوان انسانی که مواهب دنیوی را فقط در مسیر تعالی روحی می‌بیند و از تعلق به اسباب معیشت فارغ است، جز ساده زیستی و دوری از تکلف و تشریفات انتظار نمی‌رود. در سفینه‌البحار آمده است:

«رسول خدا بر حصیر می‌خوابید و غیر از آن زیراندازی نداشت»^{۲۵}.

و امام صادق (ع) فرمود: «رسول خدا هسته خرما را در دهان می‌مکید و سپس آن را می‌کاشت»^{۲۶}.
و اینگونه از تشریفات دوری می‌جست: «ابن مسعود می‌گوید: مردی به حضور پیامبر رسید و در حالی که می‌لرزید سخن می‌گفت. پیامبر به او فرمود: آسوده باش، من پادشاه نیستم»^{۲۷}.
نیز بنا به روایت ابن هشام، هنگامی که پیامبر (ص) در شب هجرت به مدینه و منزل ابویوب انصاری رسید، طبقه زیرین خانه را برگزید و علی‌رغم اصرار ابویوب بر استفاده پیامبر از طبقه بالا، حضرت فرمود: ای ابایوب، این برای ما و مراجعه کنندگان بهتر است که در پایین باشیم»^{۲۸}.

۶- منابع

- [۱]. ابن سعد، ابو عبدالله محمد؛ الطبقات الکبری؛ بیروت: دار بیروت، ۱۴۰۵ ق.
- [۲]. ابن هشام، ابو محمد عبدالملک؛ السیره النبویه؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۳ ق.
- [۳]. الحلبي، علی بن برهان‌الدین؛ انسان المیون فی سیره الامین المأمون (السیره الحلبيه)؛ بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- [۴]. الحویزی، عبدعلی بن جمعة العروسی؛ تفسیر نورالثقلین؛ هاشم الرسولی المحلاتی؛ قم: دارالکتب العلمیه.
- [۵]. خفاجی، عبدالمنعم؛ التفسیر الاعلامی للسیره النبویه؛ بیروت: دارالجیل، [بی‌تا].
- [۶]. دلشادتهرانی، مصطفی؛ سیره نبوی، دفتر دوم: سیره اجتماعی؛ تهران: وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۷۰.
- [۷]. دوانی، علی؛ تاریخ اسلام، از آغاز تا هجرت؛ تهران: حقایق، [بی‌تا].
- [۸]. راضی، عبداللطیف؛ المنهج الحركي فی القرآن الکریم؛ بیروت: دارالمنتدی، ۱۹۹۰.
- [۹]. سید رضی، نهج البلاغه؛ دکتر صبحی صالح؛ تهران: اسوه، ۱۴۱۵ ق.
- [۱۰]. سبحانی، جعفر؛ فروغ ابدیت؛ تهران: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۱.
- [۱۱]. طباطبایی، محمد حسین؛ سنن النبی؛ محمد هادی فقهی؛ تهران: کتابفروشی اسلامی، ۱۳۶۲ ش.
- [۱۲]. الطبرسی، امین‌الاسلام فضل بن الحسن الطبرسی؛ مجمع‌البیان لعلوم القرآن؛ بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۵.



- [۱۳]. الطبرسی، رضی الدین حسن بن فضل؛ مکارم الاخلاق؛ بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۲۹ق.
- [۱۴]. طبری، محمد بن جریر؛ تاریخ الرسل والملوک (تاریخ الطبری)؛ بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۸ق.
- [۱۵]. عاملی، جعفر مرتضی؛ سیرة صحیح پیامبر بزرگ اسلام؛ حسین تاج آبادی؛ تهران: مؤسسه آزاد کرافیک، ۱۳۷۲.
- [۱۶]. فضل الله، محمد حسین؛ اسلوب الدعوة فی القرآن الکریم؛ بیروت: دارالزهراء، ۱۳۹۹ق.
- [۱۷]. فیض کاشانی، محمد بن مرتضی؛ المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء؛ علی اکبر غفاری؛ تهران: دفتر انتشارات اسلامی [بی تا].
- [۱۸]. قطب، سید؛ فی ظلال القرآن؛ بیروت: دارالشروق، ۱۴۰۸.
- [۱۹]. قمی، شیخ عباس؛ سفینة البحار و مدينة الحكم و الآثار؛ [بی جا]، مؤسسه انتشارات فراہانی، [بی تا].
- [۲۰]. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۸۸ق.
- [۲۱]. مجلسی، محمد باقر؛ بحار الانوار؛ بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- [۲۲]. مطهری، مرتضی؛ سیری در سیرة نبوی؛ تهران: صدرا، ۱۳۶۶ش.
- [۲۳]. نوری طبرسی، حسین؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ بیروت: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ق.
- [۲۴]. الہندی، علاء الدین ابن حسام؛ کنز العمال فی احادیث الاقوال و الاعمال؛ بیروت: مؤسسه الرسالہ، ۱۴۰۹ق.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی